



و ای سوز دردناک سازهایم! /  
آبی ترین عکست را به من بده /  
دیوارها منتظرند /  
دستانم را بفشار /  
چشم‌هایم امیدوارند /  
**مریم پورصفری**

باید تو را در قاب پنجره جا  
بگذارم /  
خورشید آنجا زودتر خواهد  
رسید /  
باید طلوع را به یادت بیاورم /  
ای نفیر تنهایی!

آبی ترین  
در واپسین شعر عاشقانه‌ام /  
تو را خواهیم سرود /  
ای آخرین روزن فریاد! /  
مهتاب شب‌های سیاه!



اشرف السادات کمانی

نسیم عشق بهاری شکوفه باران شد  
فروغ چشم دو عاشق نتیجه آن شد

شراب ساغر اردیبهشت چون آمد  
نگاه سعدی و حافظ چه خوش غزلخوان شد

طلوع صبح کم آورد پیش روی بهار  
و عشق بودن با تو ستاره جان شد

حضور مهر و وفا شد زبانزد شیراز  
جرقه‌های محبت نشان پنهان شد

گل همیشه بهار و شکوفه باران  
در آسمان غریب نگاه، رقصان شد

دودست گرم محبت پر از گل عاشق  
گره به هم شد و آغاز راه جانان شد



سید احمد ثمین



رمضان است بیا با لبت افطار کنم  
روزه را باز به لب‌های تو این بار کنم  
من مکلف و مقلد به دو چشمان توام  
که به تقلید سرو زلف تو رفتار کنم  
قدر یک آیه به قدر همه آیات است  
بهر این تکیه به ابروی خم یار کنم  
در شب قدر به گیسوی تو چنگ اندازم  
زیر محراب دو ابروی تو اقرار کنم  
من به یکتایی و پاکی تو ایمان دارم  
اشهد ان حبیبی به تو اظهار کنم  
گره بر موی تو اندازم و گویم الغوث  
وصل روی تو به خالصنا من النار کنم  
دست بردامن تو برده ستانم بله را  
و من از بودن تو شادی بسیار کنم



پروین جاویدنیا



گفتم ببرم تو را من از یاد... نشد

دل را بکنم از غمت آزاد... نشد

گفتم که رها شوم از این دام بلا

یا شکوه کنم ز دست صیاد... نشد

مهر تو و خوبی تو را پس بزنم

از یار خودم بگیرم ایراد... نشد

گفتم همه را آه خبردار کنم

یا از ته دل دوباره فریاد... نشد

گفتم که فراموش کنم درد و غم

یک بار دگر من بشوم شاد... نشد

گفتم غزلی نو بنویسم که شود

ویرانه دل برایت آباد... نشد

از تلخی لب‌های تو بنویسم تا

شیرین بشوم برای فرهاد... نشد!



سید علی موسوی

پر است از دوستت دارم نگره‌هایی که می‌دانی  
اگرچه این نگاه‌ها را نه می‌بینی نه می‌خوانی

نگاهم زدکی همواره می‌آید به دنبالت  
بخشایم برای این تعاقب‌های پنهانی

فراقت تلخ و اشکم شور؛ اما یاد تو شیرین  
هوای بی تو بودن سخت دلگیر است و طوفانی

مرا یاد تو می‌اندازد آن غمناکه مرغی  
که عمری در حصار انتظار افتاده زندانی

غروب جمع‌ها دانند حس بی تو بودن را  
چه سنگین است روی شانه‌ام این حس ویرانی

شدم هم‌رنگ تنهایی و هم‌بوی فراموشی  
و انگاری که تاریخم رسیده رو به پایانی

چه خالی هست جاییت بین بغض بی‌قرار و من  
بیا رنگین کمانم شو در این دنیای بارانی



**منتظر داستان و اشعار شما هستیم**  
لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به  
دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل  
ارسال نمایند.  
ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد  
است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی‌شود.  
toloudaily@gmail.com

کارشناس (این شماره) سرویس ادبی - هنری

## عملکرد کودکان دارای اختلال بیش فعالی



۶. پرهیز والدین از دخالت مستقیم در انجام تکالیف و حمایت و نظارت بر انجام تکالیف.  
۷. دستورات درسی باید روشن، صریح، کوتاه و یک مرحله‌ای باشند.  
در نهایت این که با استفاده از راهکارهای فوق هم‌زمان با کمک به بهبود عملکرد تحصیلی این کودکان لازم است توجه داشته باشیم که حذف مسئولیت‌ها یا قوانین کلاس کمکی به آنها نخواهد کرد.

مریم خسروی مزیدی؛ مشاوران مدارس لازم است در جریان مشکلات کودک یا نوجوان قرار گیرند تا اولاً مشکلات او را به کم‌هوشی، بی‌علاقگی یا مخالفت جویی عمدی وی ربط ندهند و بدانند که از این مشکلات ناشی از علائم بعضی اختلالات است.  
یکی از این اختلالات بیش فعالی یا اختلال نقص توجه است که یک اختلال رفتاری رشدی است. معمولاً فرد توانایی دقت و تمرکز بر روی یک موضوع را نداشته، یادگیری در او کند است و فرد از فعالیت بدنی غیرمعمول و بسیار بالا برخوردار است. این اختلال با فقدان توجه، فعالیت بیش‌ازحد، رفتارهای تکانشی، یا ترکیبی از این موارد همراه است.  
بر این اساس استفاده از راه‌کارهای مناسب برای بهبود عملکرد تحصیلی در کودکان و نوجوانان مبتلا به اختلال بیش فعالی نقش مهمی در درمان آن دارد. رعایت نکات زیر توسط والدین و معلمان در بهبود عملکرد تحصیلی کودک بسیار مؤثر است:  
۱. اطمینان حاصل کردن از اینکه کودک حداقل نیم ساعت قبل از شروع عملکرد تحصیلی دارو مصرف کرده است.  
۲. تعیین زمان معین برای انجام تکالیف با توافق خود کودک.  
۳. به‌جای یادآوری ساعت انجام تکالیف از یک زنگ یا وجود علامتی روی دیوار استفاده شود.  
۴. تقسیم تکالیف به بخش‌های کوچک و استراحت بین آنها.  
۵. استفاده از دفترچه یادداشت یا ارتباط با هم‌کلاسی‌ها برای جلوگیری از فراموش کردن تکالیف

**روزنامه طلوع آگهی و مشترک می‌پذیرد**  
۳۲۳۴۴۷۷۲ - ۴۲۲۲۹۲۴۶

## به مناسبت روز معلم و یاد سه معلم بزرگ؛ بیاد سه یار دبستانی جنگ

کازرون.  
آنها را می‌شناختم برای همین خیلی تعجب کردم که آنها چگونه خود را به این سرعت به اهواز رسانده‌اند.  
خود من هم تا ساعت ۱۲ امروز از عملیات بی‌خبر بودم و هیچ‌کس تا امروز چیزی نمی‌دانست.  
۱۵ روز از پایان عملیات کربلای ۴ گذشته بود و این باور کردنی نبود که عملیاتی به این سرعت برنامه‌ریزی و تدارک و در شرف وقوع باشد.  
سابقه شناخت من از هر سه نفر به قبل از انقلاب و دوران مبارزه با نظام ستم‌شاهی برمی‌گشت.  
حسن شیرازی بود اما سالیان زیادی بود که با بچه‌های کازرون مانوس شده بود و مراوده داشت.  
به کازرون آمده بود و در کازرون هم سکونت داشت. مجید و حمید نیز معلم بودند و هم درس طلبگی و شفیق یکدیگر و رفقای گرمابه و گلستان. آن دو چه در مبارزه و چه در کسوت معلمی و چه در زمان طلبگی، همیشه هم‌بای هم و با هم بودند و حالا در اینجا هر سه کنار هم بودند و...  
داشتند برای نبردی دیگر آماده می‌شدند. مجید خونگرم بود و همیشه سرحال اما حمید کمی خجالتی و شاید کم‌رو به نظر می‌آمد. حسن همیشه آماده و منتظر مأموریت‌های سخت بود.  
هر گاه این سه نفر با هم بودند باید منتظر بحث‌های داغ بودی که بین آنها در می‌گرفت و ساعت‌ها به طول می‌انجامید.  
مرحله اول کربلای ۵ آغاز شد و حمید بهبودی، یکی از سه یار به شهادت رسید. حالا مجید حسن‌زاده و حسن کامفیروزی از قافله شهادت‌جامانده بودند غم و اندوهی در چهره دو یار، دو دوست جامانده کاملاً مشهود بود. چیزی نگذشت که مرحله دوم کربلای ۵ آغاز شد و انتظار به پایان رسید.  
مجید حسن‌زاد و حسن کامفیروزی به فاصله ده روز به حمید پیوستند. شهیدان حاج مجید حسن‌زاد، حمید بهبودی، حسن کامفیروزی، ارواحشان شاد.



به قلم حسین بیروان:

عملیات کربلای ۴ که تمام شد برای مرخصی عازم اهواز شدم. به پادگان امام خمینی اهواز که رسیدم، در کمال نا باوری دیدم مرتضی... آماده‌باش داده و دارد دستور می‌دهد تا بچه‌ها تجهیزات بگیرند.  
سه نفر، تازه به جمع پیوسته بودند، دو نفر از قم و نفر سوم از